



غلامر ضامصدق
استاد دانشگاه

عده‌ای از اینکه رئیس‌جمهور چین در سفر به عربستان با قرار گرفتن در کنار آن کشور و با عبور از خطوط قرمز ما، که نه از پشت بلکه از روبه‌رو و آشکارا به ما خنجر زده است! متعجب شدند. چین چه کار خارق‌ عادی انجام داده که موجب تعجب ما شده؟ فرض کنید شما فروشنده اتومبیل هستیید و دو مشتری دارید، مشتری اول که برای خرید اتومبیل انواع گزینه‌های متنوع، کیفیت، قیمت، شرایط پرداخت، خدمات پس از فروش، گارانتی و غیره را از ده‌ها عرضه‌کننده اتومبیل پیش‌رو دارد و دومی که از همه انتخاب‌های مشتری دیگر محروم و مجبور است در هر حال فقط از شما خرید کند. شما به عنوان فروشنده در بازاری که همه باید به فکر حداکثر کردن سود و منافع خود باشند، با این دو مشتری چطور رفتار می‌کنید؟ جواب خیلی واضح است، به آن مشتری که قدرت انتخاب زیادی دارد، بهترین شرایط را پیشنهاد می‌کنید، چون می‌دانید اگر تسهیلات خوب و دندان گیری ارائه ندهید ده‌ها رقیب مثل عقاب مترصد فرصت برای قاپیدن او از دست شما هستند. اما با مشتری دیگری که هیچ انتخابی به جز خرید از شما را ندارد همه شرایط حتی بعضاً ناعادلانه خود را بر او تحمیل می‌کنید. بر خود چین با ما و عربستان دقیقاً مشابه مثال بالاست. چین به عنوان یک تاجر بین‌المللی که در ۴۰ سال گذشته عمده هر و غم خود را بر کسب هر چه بیشتر منافع اقتصادی گذاشته، چرتکه به‌دست در حال محاسبه هزینه – فایده در روابط خود با کشورهای دیگر است. چین به‌خوبی می‌داند عربستان در انتخاب شرکای اقتصادی خود انتخاب‌های زیادی پیش‌رو دارد، پس برای نزدیک شدن به آن باید حسابی سر کبسه را شل کند. ناگفته نماند که عربستان هم برای نشان دادن چشمه‌ای از استقلال خود از آمریکا کمی به چین نزدیک می‌شود تا آمریکا هم حساب دستش ببیاید. این محدودیت در روابط بین‌الملل ناشی از استراتژی دوری از غرب و گذاشتن همه تخم‌مرغ‌ها در سبد شرق است. وقتی امتیاز بزرگ رقابت برای حداکثر کردن منافع را کنار می‌گذاری، شرکای محدود تجاری شما هم از فرصت طلایی خالی بودن میدان از رقیب آسوده خیال شرایط خود را به شما تحمیل خواهند کرد. بیش از ۳ دهه از اتمام جنگ سرد می‌گذرد، اما هنوز به زعم برخی، جنگ سرد نه تنها پایان نیافته‌است بلکه در اوج خود قرار دارد. این افراد نمی‌دانند که در جنگ سرد در خلاف نوع رقابت شرق و غرب که ماهیتی نظامی داشت، الآن رقابت آنها عمدتاً اقتصادی است. چین و آمریکا به رغم رقابت شدید اقتصادی و سیاسی، روابط تجاری گسترده و پیچیده‌ای در عرصه اقتصاد با هم دارند. صادرات سالانه ۶۰۰ میلیارد دلاری چین به آمریکا نشان دهنده بخشی از این به هم تنیدگی دو اقتصاد بزرگ با هم است. در روابط بین‌الملل لوطی‌گری و اخلاقی‌مداری محلی از اعراب ندارد.

دریچه

غلامعلی رجایی:

توپ در زمین آمریکایی‌هاست

وضعیت در حوزه سیاست خارجی میهم است؛ یکسو غربی‌ها فشارها بر ایران را افزایش داده‌اند و از سوی دیگر کم‌وبیش شنیده می‌شود که آنها نسبت به ادامه مذاکرات ابراز تمایل می‌کنند. در این راستا یک فعال و تحلیلگر مسائل سیاسی، درباره این موضوع اظهار داشت: اکنون روابط ایران با غرب نسبت به گذشته تیره‌تر است اما این شرایط دلیلی نمی‌شود به فکر بازگشت به برجام باشیم. آمریکایی‌ها هم بی‌تمایل به بازگشت به برجام نیستند زیرا آنها در آستانه انتخابات قرار دارند و نیازمند حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران هستند. پس از آغاز جنگ اوکراین و اتهاماتی که متوجه ایران شد، غربی‌ها به نوعی خواستند با دور شدن از مذاکرات ایران را در تنگنای دهنده و به واسطه موضوعات حقوق بشر و حقوق زنان هم علیه جمهوری اسلامی ایران اقداماتی انجام دادند اما با همه اینها مساله برجام را نادیده نگرفتند و حالا می‌خواهند در این موضوع از ما امتیازات بیشتری بگیرند. غلامعلی رجایی گفت: نباید فراموش کنیم که این ترامپ بود که از برجام خارج شد اما من از آقایان ظریف و جهانگیری شنیدم که در اواخر دولت دوازدهم گفته بودند فقط امضای توافق باقی مانده است اما مورد پذیرش قرار نگرفته بود و گویا تصمیم بر این بود که این کار دولت جدید انجام شود. من نمی‌دانم چرا تصور می‌شد امضای توافق در دولت جدید برگ برنده‌ای است در صورتی که اگر در دولت قبل این توافق امضا می‌شد به‌راشرا ر دولت جدید می‌برد. این فعال سیاسی همچنین بیان کرد: در دولت قبل این‌طور به نظر می‌رسید که وزارت خارجه تصمیم‌گیر است یا دست‌کم نقش مهمی در تصمیمات دارد. رجایی در پایان تصریح کرد: اکنون زمینه‌های احیای برجام بسیار اندک است، اما هنوز می‌توان به احیای آن امیدوار بود. اکنون توپ در زمین آمریکایی‌هاست و آنها هستند که باید تصمیم بگیرند می‌خواهند به برجام برگردند یا خیر. البته ممکن است بخواهند با درازا کشاندن این وضعیت موضع ما را ضعیف کنند.

نگاه

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس:

پیگیری استیضاح وزرای اقتصادی دولت در مجلس هشتم

یک عضو کمیسیون اجتماعی مجلس در رابطه با مطرح شدن استیضاح چند تن از وزرا گفت: در مجلس در حال حاضر چند استیضاح مطرح است، اما نمایندگان برای استیضاح وزرا و یا اقدامات نظارتی، مسائل اقتصادی و معیشتی مردم را اولویت اول می‌دانند و معتقد هستیم که اگر وقت و زمانی باید از مجلس در این حوزه صرف شود باید در مواجهه با وزرای اقتصادی باشد. سید کریم حسینی بیان کرد: هنوز بحث استیضاح وزیر صمت به صورت جدی مطرح است، چرا که ما وضعیت کنترل بازار را خوب نمی‌بینیم یا در بحث خودرو وضعیت واردات خودرو که مصوبه مجلس است هنوز اتفاق مناسب رخ نداده است. ما مصرانه در بحث واردات خودرو پیگیر هستیم و همچنین موضوع عرضه و فروش خودرو در بورس را به نفع اقتصاد کشور نمی‌دانیم. نماینده مردم اهواز تصریح کرد: در حال حاضر بحث استیضاح وزیر صمت به صورت جدی در مجلس مطرح است و تا حدودی هم وزیر اقتصاد که البته نمایندگان پیگیر هستند.

آلبرت بغزبان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

مدیریت

سازمان برنامه‌وبودجه

نیاز به تغییر دارد

فرزین می‌تواند بازار ارز را به خوبی مدیریت کند

نیاز به تغییر در بخش‌های دیگر اقتصادی دولت وجود دارد

بر جام موضوع سیاسی با تبعات اقتصادی بود

نباید دلالی در بازار ارز نادیده گرفته شود

دولت نگران افزایش هزار تومانی نرخ ارز باشد



آرمان ملی – احسان انصاری: تغییر رئیس کل بانک مرکزی چه تغییری در وضعیت مدیریت اقتصاد کشور به وجود خواهد آورد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر آلبرت بغزبان اقتصاددان گفت‌وگو کرده است. بغزبان معتقد است: «مدیریت گذشته بانک مرکزی باعث شد نرخ روند افزایشی پیدا کند. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد دلالت‌ها هستند که در بازار ارز نوسان ایجاد می‌کنند. وجود دلالت‌ها نیز به دلیل عدم نظارت کافی است. اگر این دلالت‌بازی‌ها نادیده گرفته شوند نرخ ارز وضعیت صعودی پیدا می‌کند. نوسانی که در هفته‌های اخیر در بازار ارز به وجود آمد رامن به دلیل سهل انگاری مدیریت بازار ارز می‌دانم و معتقدم این رویکرد در به وجود آمدن نوسان در وضعیت بازار ارز تأثیر گذار بوده است.» در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

➤ نوسان و سیر صعودی قیمت نرخ ارز در شرایط کنونی به چه دلایلی صورت گرفته است؟

افزایش نرخ ارز از هر زمانی که در نظر بگیریم دو دلیل مهم داشته است. نخست وضعیت درآمد ارزی که تحریم‌ها آن را تشدید کرده و دوم خواست دولت بوده است. اینکه برخی عنوان می‌کنند مردم به بازار ارز هجوم برده‌اند که در تریه خانه بخزند استدلال صحیحی نیست و همواره وضعیت به این صورت نبوده است. در هر مقطع زمانی که نرخ دلار افزایش پیدا کرده یک دلیل عمده وجود داشته است. با این وجود اعتراضات اخیر دلیل اصلی افزایش قیمت ارز نبوده است. اگر دلیل اصلی بود باید پس از فروکش کردن اعتراضات قیمت ارز دوباره به وضعیت سابق بازمی‌گشت که این اتفاق رخ نداده است. اینکه افزایش قیمت ارز را به مسائلی مانند اعتراضات و یا تعطیلی کریسمس ارتباط بدهیم، صحیح نیست و پاک کردن صوته مساله است. اگر این دلایل در افزایش قیمت ارز نقش داشته هنگامی که این دلایل از بین می‌رود باید قیمت ارز دوباره کاهش داشته باشد. این در حالی است که این اتفاق رخ نمی‌دهد و قیمت ارز همچنان نرخ صعودی خود را حفظ می‌کند. دلیل اصلی این اتفاق درآمدهای ارزی است که تحریم‌ها آن را تشدید کرده است. این در حالی است که در چند هفته گذشته که نرخ ارز روند صعودی داشته تحریم‌ها تغییری نکرده و به همین دلیل نمی‌توانیم افزایش نرخ ارز را به تحریم‌ها ارتباط دهیم. دولت عنوان می‌کند که درآمدهای ارزی خوبی دارد و با دور زدن تحریم‌ها نفت را می‌فروشد و پول آن را دریافت می‌کند.

➤ بانک مرکزی نقشی در افزایش قیمت ارز داشته است؟

مدیریت صاحب برخی باعث می‌شود که نرخ روند افزایشی پیدا کند. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد دلالت‌ها هستند که در بازار ارز نوسان ایجاد می‌کنند. وجود دلالت‌ها نیز به دلیل عدم نظارتی است که بانک مرکزی نسبت به وضعیت بازار ارز دارد. اگر بانک مرکزی این دلال بازی‌ها را نادیده بگیرد نرخ ارز وضعیت صعودی پیدا می‌کند. نوسانی که در هفته‌های اخیر در بازار ارز به وجود آمد رامن به دلیل سهل‌انگاری مدیریت بازار ارز می‌دانم و معتقدم این رویکرد در به وجود آمدن نوسان در وضعیت بازار ارز تأثیر گذار بوده است. دلالت‌هایی تمایل نیستند که به دلایل مختلف از جمله دلایل مطرح شده قیمت ارز را افزایش بدهند. در نوسانات اخیر قیمت ارز اگر تحریم‌ها را کنار بگذاریم بانک مرکزی نیز سهم داشته است.

➤ به همین دلیل دولت تصمیم گرفته که رئیس کل بانک مرکزی را تغییر دهد؟

این موضوع که چه کسی رئیس کل بانک مرکزی باشد حائز اهمیت است. بانک مرکزی اگر بورس باز باشد یا سوداگر سهام باشد نسخه‌هایی که می‌پیچید به صورت سهام و یا افزایش نرخ سود سپرده می‌پیچد. ممکن است فردی تنها به صادرات تأکید



آرمان ملی – احسان انصاری: تغییر مدیریت اقتصاد کشور به وجود خواهد آورد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر آلبرت بغزبان اقتصاددان گفت‌وگو کرده است. بغزبان معتقد است: «مدیریت گذشته بانک مرکزی باعث شد نرخ روند افزایشی پیدا کند. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد دلالت‌ها نیز به دلیل عدم نظارت کافی است. اگر این دلالت‌بازی‌ها نادیده گرفته شوند نرخ ارز وضعیت صعودی پیدا می‌کند. نوسانی که در هفته‌های اخیر در بازار ارز به وجود آمد رامن به دلیل سهل انگاری مدیریت بازار ارز می‌دانم و معتقدم این رویکرد در به وجود آمدن نوسان در وضعیت بازار ارز تأثیر گذار بوده است.» در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

خود عقب نشینی کند یا اینکه ما از برخی مطالباتی که داریم عدول کنیم. اینکه دولت گمان کند قرارداد با برخی کشورها می‌تواند جایگزین برجام شود در واقع چنین نیست. اگر ما به این قراردادها اکتفا کنیم آمریکا دیر یا زود تحریم‌های خود را سنگین‌تر می‌کند و راه‌هایی که ما برای دور زدن تحریم‌ها و ارتباط با این کشورها پیدا کرده‌ایم را خواهد بست. برجام یک موضوع سیاسی است و به دلایل سیاسی نیز کسی ارجح است که نرسیده است. تبعات برجام اقتصادی بوده است. اینکه آمریکا ما را تحریم کرده به دلیل شرایط اقتصادی نبوده، بلکه به دلایل سیاسی بوده است. با این وجود فشار حداکثری روی اقتصاد کشور ایجاد شده است. در زمینه سیاسی نیز این مسئولان سیاسی کشور هستند که تصمیم گیرندگان نهایی هستند. از نظر اقتصادی تحریم‌ها همواره محدود کننده و چالش آفرین بوده‌اند. تحریم‌مانند این است که دست و پای یک نفر را ببندید و به وی بگویید شنا کند. شاید وی حتی شنا کردن هم بلد نباشد اما در شرایطی که دست و پای وی بسته است وی حتی نمی‌تواند شنا کند را یاد بگیرد. من هیچ اقتصاددانی را سراغ ندارم که تحریم را توجیه کند و عنوان کند که تحریم باعث رشد می‌شود. ممکن است در شرایط اضطرار تلاش‌ها بیشتر شود و کشورها تلاش کنند نیازهای خود را مر رفع کنند اما این وضعیت برای شرایط اضطرار است. من معتقدم ما در شرایط عادی نیز می‌توانیم این اقدامات را انجام بدهیم و تلاش‌های خود را بیشتر کنیم و حتما نیاز نیست در شرایط اضطرار قرار داشته باشیم.

➤ با حضور آقای فرزین به عنوان رئیس کل بانک مرکزی چه چشم‌اندازی را پیش روی بازار ارز مشاهده می‌کنید؟ آیا ایشان می‌توانند بازار ارز را به خوبی مدیریت کنند؟

همین موضوع که با تغییر رئیس کل بانک مرکزی قیمت دلار کاهش پیدا کرده نشانه خوبی برای چشم‌انداز آینده است. این در حالی است که من آقای فرزین را فردی متمنخص و متعهد می‌دانم و به معتقدم اگر حمایت‌های لازم از ایشان صورت بگیرد احتمال موفقیت ایشان در بانک مرکزی زیاد است. به هر حال آقای فرزین اقتصاددان هستند و به خوبی با وضعیت اقتصادی کشور آشنا هستند. به همین دلیل می‌توان به آینده امیدوار بود. نکته مهم در این زمینه تصمیم گیری‌هایی است که در دولت صورت می‌گیرد. این تصمیم گیری‌ها که به صورت کلان درباره اقتصاد کشور صورت می‌گیرد تا حدود زیادی می‌تواند چشم انداز روشن‌تری پیش روی اقتصاد کشور قرار دهد. نکته دیگر اینکه تیم اقتصادی دولت نیاز به ترمیم و برخی تغییرات دارد. هر چه زودتر این تغییرات صورت بگیرد بیشتر می‌توان نسبت به وضعیت آینده امیدوار بود. بدون تردید روند تصمیم سازی و تصمیم گیری اقتصادی در دولت رئیسی باید تغییر کند و به سستی حرکت کند که عقلانیت و دوراندیشی بیشتری بر فضا حاکم شود.

از جامعه (سلبی‌ها) به جریان راست هم ورود پیدا کردند. این استاد فلسفه بیان کرد: سیاست در همه جهان سقوط کرده و به همین دلیل رئیس‌جمهوری فرانسه در تماشای جام جهانی به دنبال کسب رأی و در واقع اعتبار گرفتن از سلبی‌تی‌هاست. دولت احمدی‌نژاد با وجود اینکه در ابتدا خود را به عنوان دولتی مردمی معرفی می‌کرد بعد از دو، سه سال با سلبی‌تی‌های سینمایی رابطه برقرار کرد. واقعیت اینکه سیاست‌مداران لیبرال و سوسیال دموکرات در جامعه ما به دنبال اعتبار اجتماعی بودند و می‌کوشیدند این اعتبار را از طریق سلبی‌تی‌ها کسب کنند و سلبی‌تی‌ها نیز این اعتبار اجتماعی را به ازای کسب ثروت از بیت‌المال معاوضه می‌کردند و اینجا بود که سلبی‌تی‌ها به قهرمان‌های پوشالی جامعه بدل شدند. به این ترتیب اعتبار از سلبی‌تی به سیاست و کسب پول از ثروت عمومی به سلبی‌تی‌ها منتقل می‌شد. به همین دلیل هم هست که سلبی‌تی‌ها در ایران پول‌های باآورده دارند؛ هیچ کار یک فوتبالیست سخت‌تر از کار یک استاد دانشگاه و یک متفکر نیست. در همه جوامع سوسیالیستی و لیبرالیست غرب، متفکران فقیرند و هرگز از ثروت‌های افسانه‌ای سلبی‌تی‌ها بهره‌ای ندارند.

فرارو

ضرورت توجه به

سه مسئله اساسی

تحولات چند ماهه اخیر جامعه در نوع خود، شرایط جدیدی را در معادلات سیاسی – اجتماعی کشور ایجاد کرد. در این چارچوب، نه فقط در محیط داخلی شاهد وقوع تحولاتی جدید بوده‌ایم، بلکه در عرصه سیاست خارجی نیز شاهد ایجاد فضایی جدید هستیم که در نوع خود کنشگری‌های تازه‌ای را می‌طلبد. با این همه، در سطحی کلان‌تر، اینطور به نظر می‌رسد که ایران امروز، مسئولان باید سه مسئله اساسی را جدی بگیرند و هر چه سریع‌تر برای آنها برنامه‌ریزی کنند.

قطبی‌گرایی

یکی از مهم‌ترین مسائل، قطبی‌گرایی و شکل‌گیری انشقاق میان لایه‌ها و طیف‌های مختلف اجتماعی است. در واقع، چالش‌های اقتصادی و تحولات اخیر در کشور، تا حد زیادی بر آستانه صبر و تحمل افراد اثر گذار بوده و شرایط جدیدی را در معادلات اجتماعی ایران به وجود آورده است. از این رو، در وهله نخست باید این مشکل مورد شناسایی قرار گیرد و سپس با استفاده از نظرات و دیدگاه‌های اندیشمندان و دلسوزان، راه چاره‌ای برای آنها اندیشیده شود. بسیاری از نهادهای دستگاه‌های متولی در امور اجتماعی نظیر نظام آموزشی و دستگاه‌های فرهنگی، کاستی‌هایی دارند که بی‌توجهی به آن‌ها می‌تواند تبعاتی را به همراه داشته باشد. «تاخر گرایی» آفتی جدی است و موجب شده تا بسیاری از تحولات و اتفاقات جدید حادث شوند و سپس برای آنها تدبیر اندیشیده شود. این در حالی است که باید قبل از وقوع مسائل، برای آن‌ها برنامه‌ریزی کرد. باید بپذیریم که در سطح افکار عمومی، سرمایه اجتماعی کشور نیز وضعیت چندان مطلوبی ندارد و تقویت مجدد آن، راهکارها و روش‌های علمی و میدانی موثری را می‌طلبد. در این راستا، رویه‌ها و راهکارهایی نظیر محدودسازی فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، آن هم در شرایطی که گفتمان اصیل انقلاب از ظرفیت‌های قابل ملاحظه‌ای جهت جذب و اقناع انسان‌ها برخوردار است، نه تنها مشکلات را حل نخواهد کرد بلکه راه و بهانه را برای نفوذ راهکارهای جدید نظیر اینترنت ماهواره‌ای استارلینک برای فعالیت در خاک ایران هموار می‌سازد. فراموش نکنیم که در حوزه‌های اجتماعی، برخورد‌های غیراقتاعی، تبعاتی را به‌همراه دارند و به ویژه در بلند مدت می‌توانند آسیب‌زا باشند. مشکل اصلی در کشور در سال‌های اخیر این بوده که به مقوله مسائل اجتماعی به شکل علمی نگاه نکرده و هر کدام از این نهادها به مثابه جزیره‌هایی دور افتاده از هم، صرفاً کار خود را حل نکرده و کاهش نداده، بلکه بعضاً برخی از مشکلات را پیچیده‌تر نیز کرده است. به‌طور کلی، دیدگاه‌های متفکران و اندیشمندان در حوزه‌های مختلف اجتماعی باید مدنظر قرار گیرد و متناسب با نظرات کارشناسی آنها اصلاحاتی و اعمال کرد.

تورم بالا در اقتصاد

از اوایل دهه ۹۰ شمسی، کشورمان در برهه‌های زمانی مختلف با بحران وقوع جهش‌های ارزی روبه‌رو بوده است. به تازگی نیز شاهد جهش قیمت دلار از مرز ۴۰ هزار تومان و وقوع سیلی از گرانی‌ها در حوزه سکه، خودرو، مسکن و... بوده‌ایم. آنچه حداقل در ماه‌های اخیر و همزمان با روی کار آمدن دولت سیزدهم آشکار شده، این نکته بوده که تیم اقتصادی دولت، فعلاً برنامه مشخصی را جهت مهار تورم و مقابله با جهش‌های ارزی ندارند. موضوعی که بعضاً حتی صدای نمایندگان مجلس شورای اسلامی را نیز درآورده است. نکته قابل تأمل این است که توجه داشته باشیم هنوز قابل ۴۰ هزار تومانی، خود را در بسیاری از کالاها و نیازهای اساسی مردم نشان نداده است و این مساله اندکی زمان می‌برد. این موضوعی است که بسیاری از ناظران و تحلیلگران در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی نیز نسبت به آن مکرراً هشدار داده‌اند. در این چارچوب، دولت باید هر چه سریع‌تر فکری بر حال اقتصاد کشور کنند. درست است که برنامه‌ها در حوزه اقتصادی ماهیتی فوری ندارند و انجام برخی اصلاحات در این حوزه کاملاً زمان‌بر است. بهتر است که برای این درد، درمان‌های فوری و مقطعی ارائه شود و در کنار آن‌ها به فکر راهکارهای بلندمدت نیز بود.

اجماع بین‌المللی علیه ایران

بسیاری از ناظران و تحلیلگران معتقدند که در پی وقوع اعتراضات اخیر در کشور، اجماع بین‌المللی علیه ایران شکل گرفته است. در واقع، قدرت‌های غربی که در رابطه با مسائل ایران صرفاً به دنبال بهانه‌های کوچک جهت امتیازگیری از تهران و بحران‌زایی علیه آن هستند، با وقوع پدیده اعتراضات در کشورمان، زمینه‌ها مناسبی را جهت تحمیل برخی فشارهای مدنظر خود علیه ایران که شاید در حالت عادی با موانع و چالش‌های جدی همراه بود، پیدا کرده‌اند و سعی دارند از تمامی ظرفیت‌های تحمیل فشار داختری به ایران تا جای ممکن استفاده کنند.